



Legal Assistance of a Lawyer to a Child in the Process of Criminal Proceedings (a Comparative Study of the Code of Criminal Procedure Approved in 2012 and International Documents)

Abbas Sheikh al-Islami¹, Ebrahim Rezagholizadeh^{1*}

1. Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The right to counsel is one of the main aspects of a fair trial. In the meantime, considering children's lack of full ability to defend, it is more important for them to have legal assistance. This study was conducted with the aim of investigating the level of attention of the Code of Criminal Procedure approved in 2012 and international documents regarding the legal assistance of a lawyer to a child in the process of criminal proceedings.

Method: The present research was written using the descriptive method and the use of library resources consisted of related laws and legal documents.

Results: Legislator in Iran, along with taking some innovative measures such as recognizing the right to visit a lawyer in the stage under supervision and paying attention to the role of a lawyer and his legal assistance for children in the stage of protesting the sentence, regarding the benefit of criminal children from a lawyer in the trial stage, adopted two different approaches. In this way, the existence of a lawyer during the proceedings is not mandatory, but can be applied as a matter of law, regarding crimes of degrees six to eight, as well as other crimes without the legal punishment of imprisonment. However, in crimes that are under the jurisdiction of the First Criminal Court, and in the crimes that require the payment of Diya or Arsh more than one-fifth of the full Diah, as well as in Tazeeri crimes of the sixth degree and above, the presence of a lawyer in the proceedings is assumed to be mandatory. The study of international documents regarding the effects of legal assistance of lawyers for children shows that these documents have paid attention to the role and position of lawyers in the protection of children in the three stages of pre-trial, trial and appeal.

Conclusion: In the Code of Criminal Procedure, in line with international documents, the domestic legislator has paid more attention to the role of lawyers and legal aids in dealing with children's crimes.

Keywords: Legal Assistance; Lawyer; Children and Adolescents; Fair Trial; Right to Counsel

Corresponding Author: Ebrahim Rezagholizadeh; **Email:** er.gholizade@gmail.com

Received: June 2, 2022; **Accepted:** August 12, 2022

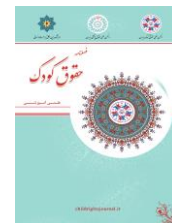
Please cite this article as:

Sheikh al-Islami A, Rezagholizadeh E. Legal Assistance of a Lawyer to a Child in the Process of Criminal Proceedings (a Comparative Study of the Code of Criminal Procedure Approved in 2012 and International Documents). *Child Rights Journal*. 2022; 4(14): 17-27.



فصلنامه حقوق کودک

دوره چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۲۷-۱۷

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>

معاضدت‌های حقوقی و کیل به کودک در فرایند دادرسی کیفری

(مطالعه تطبیقی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی)

عباس شیخ‌الاسلامی^۱، ابراهیم رضاقلی‌زاده*

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حق داشتن وکیل یکی از مظاهر اصلی دادرسی عادلانه است. در این میان، با توجه به عدم توانایی کامل کودکان در دفاع از خویش، برخورداری آنان از معاضدت‌های حقوقی دارای اهمیت بیشتری است. این مطالعه با هدف بررسی میزان اهتمام قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و نیز اسناد بین‌المللی پیرامون معاضدت حقوقی وکیل به کودک در فرایند دادرسی کیفری انجام شد.

روش: تحقیق حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی ضمن استفاده از منابع کتابخانه‌ای و قوانین و اسناد مربوطه نگارش یافته است.

یافته‌ها: قانونگذار ایران، ضمن انجام برخی اقدامات نوآورانه همچون شناسایی حق ملاقات وکیل در مرحله تحت نظر و توجه به نقش وکیل و معاضدت حقوقی وی برای کودکان در مرحله اعتراض به رأی، در خصوص بهره‌مندی کودکان بزه‌کار از وکیل در مرحله دادرسی، دو رویکرد متفاوت را مد نظر قرار داده است، بدین نحو که پیرامون جرائم تعزیری درجه شش تا هشت و همچنین سایر جرائم تعزیری بدون مجازات قانونی حبس، وجود وکیل در حین دادرسی را غیر اجباری، لیکن به صورت حقی قابل اعمال لحاظ نموده است، اما در جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک بوده و در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارض بیش از خمس دیه کامل است. همچنین در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، وجود وکیل در فرایند دادرسی، اجباری فرض شده است. مطالعه اسناد بین‌المللی نیز در رابطه با جلوه‌های معاضدت حقوقی وکیل برای کودکان نشان از آن دارد که تدوین‌کنندگان آن‌ها در سه مرحله پیش‌دادرسی، دادرسی و اعتراض به رأی بر نقش و جایگاه وکیل در حمایت از کودکان توجه داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: قانونگذار داخلی در قانون آیین دادرسی کیفری همسو با اسناد بین‌المللی به نقش وکیل و معاضدت‌های حقوقی وی نسبت به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، توجه بیشتری نشان داده است.

واژگان کلیدی: معاضدت حقوقی؛ وکیل؛ اطفال و نوجوانان؛ دادرسی منصفانه؛ حق داشتن وکیل

نویسنده مسئول: ابراهیم رضاقلی‌زاده؛ پست الکترونیک: er.gholizade@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Sheikh al-Islami A, Rezagholizadeh E. Legal Assistance of a Lawyer to a Child in the Process of Criminal Proceedings (a Comparative Study of the Code of Criminal Procedure Approved in 2012 and International Documents). Child Rights Journal. 2022; 4(14): 17-27.

مقدمه

به رأی، بررسی گردیده است. لذا یافته‌های تحقیق در قالب دو قسمت مزبور قابل ارائه است.

روش

تحقیق حاضر مطالعه‌ای نظری است که با بهره‌گیری از روش توصیفی و ضمن استفاده از منابع کتابخانه‌ای و قوانین و اسناد حقوقی مربوطه نگارش یافته است.

یافته‌ها

۱. مفهوم طفل و نوجوان در حقوق کیفری: آغاز بحث در موضوعات نظری و ایجاد درکی عمیق در رابطه با هر پژوهش، پیش از هر چیز، نیازمند معرفی مفاهیم و اصطلاحات مرتبط است. از این جهت، در این قسمت، کوشش می‌گردد به منظور شناخت و تبیین دقیق موضوع، ابتدا مفاهیم «طفل» و «نوجوان» از رهگذر بررسی قوانین کیفری داخلی و اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک تشریح گردد.

۱-۱. حقوق ایران: بررسی قوانین و مقررات کیفری مرتبط با حقوق اطفال و نوجوانان، مبین این مطلب می‌باشد که مقنن ایرانی، تعریفی از مفهوم طفل (صغیر) و نوجوان به عمل نیاورده و به جای تبیین اصطلاحات مزبور در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به شناسایی معیار سنی در خصوص تفکیک این اشخاص از افراد بزرگسال توجه داشته است.

با وجود این، تعاریف مختلف و متعددی از اصطلاحات مذکور در ادبیات حقوقی ایران به چشم می‌خورد که مفهوم نسبی یکسانی دارند. با این حال، منصرف از تعریف شرعی طفل در نظام حقوقی ایران، می‌توان گفت، منظور از «طفل» شخصی است که بنا به وضعیت سنی، جسمی و روحی، رشد و نمو لازم را به منظور زندگی در اجتماع

گسترش جهانی‌شدن مفاهیم حقوق کیفری، منجر به پذیرش حق دادرسی عادلانه برای افراد به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر در مقررات داخلی کشورها گردیده است. در این بین، حق داشتن وکیل نیز در زمره یکی از ارکان دادرسی عادلانه شناسایی می‌شود. در این راستا، حق برخورداری از وکیل در رسیدگی‌های قضایی مربوط به جرائم اطفال و نوجوانان، با توجه به ویژگی‌های روحی و جسمی آن‌ها و عدم توانایی کامل این قشر در دفاع از خود، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در این میان، برخی مقررات بین‌المللی به صورت خاص، توجه به دادرسی کیفری افتراقی برای اطفال و نوجوانان را مد نظر قرار داده است که شناسایی وجود معاضدت‌های حقوقی وکیل برای کودکان، از جمله این موارد می‌باشد. در کنار این اسناد و در حقوق داخلی ایران، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به عنوان آخرین اراده قانونگذار در رابطه با قواعد رسیدگی‌های کیفری، برخی اقدامات و موازین جدید را ویژه اطفال و نوجوانان در نظر گرفته است. مع‌الوصف و با لحاظ موضوع این نوشتار، تلاش شده است در وهله نخست مفاهیم «طفل» و «نوجوان» در مقررات کیفری داخلی و اسناد بین‌المللی تبیین گردد. در وهله بعد این سؤال مطرح و پاسخ داده شده است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و همچنین اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک، جلوه‌های معاضدت حقوقی وکیل برای کودکان، در قالب چه مصادیق و مراحل ترسیم شده است؟

بدین ترتیب و در راستای تبیین مباحث فوق، در این تحقیق، ابتدا مفاهیم «طفل» و «نوجوان» در پرتو قواعد و مقررات فوق‌الذکر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و در ادامه، مصادیق معاضدت حقوقی وکیل برای اطفال و نوجوانان در سه مرحله پیش دادرسی، دادرسی و اعتراض

کسب ننموده است (۱). «نوجوان» نیز هرچند به نسبت «طفل» از وضعیت جسمی کامل‌تری در راستای انجام امور شخصی و اجتماعی خویش برخوردار می‌باشد، لکن در مقایسه با افراد بزرگسال، از جهت قوای فکری به مرحله کمال نرسیده و همچنان در خصوص بسیاری از وجوه کاری و فکری، نیازمند حمایت و پشتیبانی است (۲). در این بین، از منظر موازین قانونی حقوق کیفری ایران که بیشتر در پرتو تبعیت از موازین اسلامی تدوین یافته است، بلوغ شرعی (۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران) به معنای خروج فرد از وضعیت طفولیت و به تبع آن، ایجاد مسئولیت کیفری نسبت به وی می‌باشد.

مع‌الوصف از لحاظ پیشینه تاریخی - تقنینی می‌توان گفت که در اولین فرایندهای تقنینی در حوزه حقوق کودکان، از جمله قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴، قانونگذار ایران سه دوره سنی تا دوازده سال، دوازده تا پانزده سال و پانزده تا هیجده سال را برای تبیین واکنش کیفری نسبت به اطفال و نوجوانان وضع نموده است. بدین توضیح که در این نص قانونی، با ایجاد محدوده سنی سه‌گانه، مفهوم طفل، به طفل غیر ممیز، طفل ممیز غیر بالغ و طفل ممیز بالغ تقسیم‌بندی شده است (مواد ۴ الی ۳۶ قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴ ش.).

با این حال، در ادامه قانونگذاری در این حوزه (چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) و تا زمان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب همین سال، مقنن ایران به رغم پیش‌بینی برخی سیاست‌های جنایی و بعضاً اعمال جلوه‌هایی از رسیدگی افتراقی در رابطه با جرائم افراد زیر ۱۸ سال، صرفاً از واژه «طفل» برای شناسایی مرز مسئولیت کیفری یا عدم آن به واسطه صغر سنی استفاده نموده است، لکن در مقررات اخیرالذکر (مصوبات سال

۱۳۹۲ ش.) برای نخستین‌بار، واژه «نوجوان» در کنار اصطلاح «طفل» به عنوان مفهومی نزدیک به هم مد نظر مقنن ایرانی قرار گرفته است (لازم به ذکر است که حتی «قانون اقدامات تأمینی» مصوب ۱۳۳۸ که اقتباسی از «قانون اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۹۳۷ فرانسه است، همچنان از لفظ طفل برای افراد تا ۱۸ سال تمام شمسی استفاده نمود). با وجود این، اصطلاح «نوجوان» در قوانین مذکور نیز تعریف نگردیده است و با اشاره به معیار سن یا جنسیت، این واژه گاه ناظر بر افراد ۱۲ سال تا ۱۸ سال و گاه ناظر بر افراد ۱۵ سال تا ۱۸ سال تمام شمسی در نظر گرفته می‌شود.

به رغم ابهام فوق، در نهایت، «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» در سال ۱۳۹۹، همچنان بدون بیان تعریفی از مفهوم نوجوان، معیار بلوغ شرعی و سن را در تفکیک مفهوم «طفل» از «نوجوان» مورد توجه قرار داد. در این راستا، به موجب بند «الف» و «ب» ماده ۱ قانون مذکور، منظور از «طفل»، هر فرد فاقد بلوغ شرعی و «نوجوان» هر فرد دارای بلوغ شرعی کمتر از ۱۸ سال کامل شمسی است.

۱-۲. اسناد بین‌المللی: در حوزه حقوق کودکان، اسناد و معاهداتی به تصویب رسیده است که در تبیین موضوع، لازم به توجه می‌باشد، لذا در ذیل مستندات مربوطه که می‌تواند از مبانی توجه به حقوق اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شود، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در «معاهده حقوق کودک» مصوب ۱۹۸۹ به عنوان اصلی‌ترین سند بین‌المللی در حوزه مورد بحث و به موجب ماده یک آن، جز در فرض وجود مقررده داخلی در قوانین کشورهای عضو، مقصود از «طفل»، شامل بر افراد زیر ۱۸ سال می‌باشد. بدین ترتیب و بر اساس مفاد سند مذکور، تشخیص و تعیین اینکه به چه فردی «طفل» اطلاق شود، علی‌القاعده، به قوانین داخلی هر کشور

گیرد. از این جهت، همانطور که برخی از صاحب‌نظران بیان داشته‌اند، کلیه نظام‌های حقوقی، در عین دارابودن استقلال تصمیم در تعیین معیار سنی جهت تبیین مفهومی «طفل» و «نوجوان»، بایست به نحو ضمنی بر مفاد اسناد بین‌المللی مرتبط با حمایت از اطفال و نوجوانان پایبند باشند (۴).

۲. جلوه‌های معاضدت حقوقی وکیل به کودکان در فرایند رسیدگی کیفری: همچنانکه پیش از این بیان شد، شناسایی حق برخورداری از وکیل و به تبع آن حضور و اقدامات وی در فرایند رسیدگی کیفری به عنوان یکی از مصادیق تحقق دادرسی عادلانه به شمار می‌آید. در این میان، با مطالعه مواد قانونی راجع به شناسایی نقش و جایگاه وکیل در فرایند رسیدگی به جرائم کودکان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مشخص می‌گردد که این موضوع را می‌توان در چارچوب سه مرحله پیش دادرسی، دادرسی و در نهایت اعتراض به رأی مد نظر قرار داد.

بررسی اسناد بین‌المللی در رابطه با این موضوع نیز حکایت از توجه تدوین‌کنندگان اسناد مذکور در خصوص معاضدت‌های حقوقی وکیل به کودکان در مراحل سه‌گانه فوق‌الذکر دارد. با توجه به مراتب مزبور، تلاش می‌گردد در این قسمت، مطالب مرتبط در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی ضمن تفکیک مراحل سه‌گانه پیش‌دادرسی، دادرسی و اعتراض به رأی تشریح گردد.

۱-۲. مرحله پیش‌دادرسی: مجموعه اقدامات و تحقیقاتی که با هدف کشف جرم و ادله اتهامی و همچنین آماده‌سازی پرونده جهت تسهیل و تسریع رسیدگی دادگاه به دستور مقامات قضایی دادرسی یا سایر مقامات صالح از سوی ضابطان دادگستری صورت می‌پذیرد، به عنوان مرحله پیش‌دادرسی محسوب می‌گردد (۵). در این میان، با عنایت به اینکه اساس یک

برمی‌گردد (۳). در این بین، باید توجه داشت که هرچند در معاهده فوق‌الذکر، صرفاً از اصطلاح «طفل» استفاده گردیده، لکن در سایر اسناد بین‌المللی مرتبط با اطفال بزه‌کار، اصطلاح «نوجوان» نیز به کار رفته است.

از جمله این موارد، می‌توان به ماده ۲ «قواعد و مقررات بیجینگ»- Beijing Rules مصوب ۱۹۸۰ (حمایت از اطفال و نوجوانان محروم) اشاره نمود که بیان داشته است: «نوجوان، به هر کودک یا فرد جوانی اطلاق می‌گردد که در هر نظام حقوقی خاص، ممکن است به دلیل ارتکاب جرم، به گونه‌ای متفاوت با نحوه برخورد با بزرگسالان با وی رفتار گردد.»

همچنین مطابق با ماده ۱۱ «مقررات سازمان ملل در رابطه با حمایت از نوجوانان» مصوب ۱۹۹۰، «به هر شخص زیر ۱۸ سال نوجوان گفته می‌شود.»

علاوه بر مراتب فوق، بر اساس قسمت «الف» بند ۲ ماده ۲ سند بین‌المللی موسوم به «قواعد پکن در حمایت از اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۹۸۵، نوجوان، به کودک یا جوانی گفته می‌شود که به موجب ساختار حقوقی کشور متبوع، در فرض ارتکاب جرم مشمول رفتاری متفاوت با رفتار بزرگسالان می‌گردد، ضمن آنکه در سند اخیر، تذکر داده شده است که دولت‌ها باید سن معینی را برای مسئولیت کیفری کودکان از بزرگسالان مشخص نمایند.

مع‌الوصف و به رغم تعاریف بیان‌شده از دو اصطلاح «طفل» و «نوجوان» در اسناد بین‌المللی، باید به این موضوع توجه داشت که به موجب ماده ۱۴ «قواعد و مقررات بیجینگ» و قسمت اخیر ماده ۴ «معاهده حقوق کودک»، در کلیه نظام‌های حقوقی که مفهوم کودک و نوجوان بر اساس سن مسئولیت کیفری در نظر گرفته می‌شود، شروع سنین مربوط به اطفال و نوجوانان نباید آنچنان پایین باشد که واقعیت‌های راجع به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی و روحی این اشخاص، تحت‌الشعاع قرار

چنانچه متهم احضار شود، این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.»

همچنین بر اساس ماده ۴۱۳ قانون: «در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیا یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است.»

در ماده ۴۱۵ نیز مرقوم گردیده است: «در جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ازش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادرسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود...»

همچنین با لحاظ امکان وکیل متهم مبنی بر کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، وفق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، امکان دسترسی به پرونده و مطالعه آن برای وکیل متهم طفل و نوجوان نیز وجود دارد. در این راستا، چنانچه مقام قضایی بر حسب موازین قانونی منعکس در ماده، مطالعه یا دسترسی به پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، بایست با ذکر دلیل قرار عدم دسترسی را صادر کرده و این قرار ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

در این میان، استقرای در اسناد بین‌المللی ناظر بر حمایت از اطفال و نوجوانان نیز گویای توجه اسناد مزبور به

پرونده کیفری در فرایند تحقیقات مقدماتی پایه‌گذاری می‌شود، به منظور تحقق دادرسی عادلانه، رعایت حقوق متهمین طفل و نوجوان، از جمله حق برخورداری از وکیل برای آنان در این مرحله از اهمیت خاصی برخوردار است (۶-۷).

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برای نخستین‌بار به موضوع حق برخورداری از حضور وکیل در مرحله تحقیقات پلیس و در زمان تحت نظر قرارگرفتن متهم اشاره شده است. مطابق با ماده ۴۸ قانون اخیرالذکر، «با شروع تحت نظر قرارگرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه‌بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.»

در این راستا، با توجه به اطلاق واژه «متهم» در ماده مزبور، امکان حضور و ملاقات با وکیل، علاوه بر اشخاص بزرگسال، شامل کودکان نیز می‌گردد. با این حال استفاده از حق مذکور عملاً باید توسط ولی قهری یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان اعمال شود. شخص متهم نوجوان نیز بر اساس ظاهر تبصره ۳ ماده ۱۰۲ و مواد ۴۱۵ و ۴۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌تواند خود درخواست استفاده از این حق را اعلام نماید.

علاوه بر بحث ملاقات و گفتگوی متهم طفل و نوجوان، امکان حضور فیزیکی و همچنین معاضدت حقوقی وکیل در ادامه تحقیقات مقدماتی با لحاظ مواد ۱۹۰، ۴۱۳ و ۴۱۵ همین قانون برای کودکان در نظر گرفته شده است.

طبق ماده ۱۹۰ مقرر شده است که «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود،

اشخاص مذکور قابل احراز است. در این راستا، بررسی مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حکایت از این موضوع دارد که قانونگذار با اتخاذ رویکردی افتراقی در این زمینه در مقایسه با نقش وکیل در رسیدگی به جرائم افراد بزرگسال، از یکسو در پاره‌ای از شرایط، مسأله حضور وکیل در فرایند دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان را به عنوان یکی از اصول دادرسی در نظر گرفته و از سوی دیگر، در برخی موارد، معاضدت حقوقی وکیل نسبت به اشخاص مذکور را به مثابه تکلیف و الزامی قانونی برای برگزاری دادگاه لحاظ نموده است.

در تبیین این مطلب با لحاظ موازین مربوطه باید گفت که در حقوق کیفری ایران، پیرامون جرائم تعزیری درجه شش تا هشت و همچنین سایر جرائم تعزیری بدون مجازات قانونی حبس، وجود وکیل در حین دادرسی به عنوان حقی قانونی و البته اختیاری لحاظ شده است، همچنانکه به موجب تبصره ۲ ماده ۴۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در فرض عدم وجود وکیل برای طفل و نوجوان بزه‌کار در شرایط فوق‌الذکر، امکان رسیدگی و اتخاذ تصمیم ممکن می‌باشد.

اما در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک (ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) بوده و در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است. همچنین در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، وفق ماده ۴۱۵ قانون مذکور، وجود وکیل در فرایند دادرسی، تکلیف قانونی فرض شده و مقامات رسیدگی‌کننده به جرائم اطفال و نوجوانان بایست به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ نمایند که برای طفل و نوجوان بزه‌کار وکیل تعیین کنند. در این میان حتی در صورت عدم اقدام از سوی ولی یا سرپرست یا عدم حضور وکیل تعیینی بدون اعلام عذر

پیش‌بینی حق برخورداری از وکیل و امکان معاضدت حقوقی وی برای اشخاص فوق‌الاشعار در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در این راستا، برخی از اسناد بین‌المللی صراحتاً حق داشتن وکیل و حضور وی در مرحله تحقیقات مقدماتی را برای کودکان شناسایی نموده‌اند، از جمله این موارد می‌توان به ماده ۱۵ «قواعد پکن در حمایت از اطفال و نوجوانان» اشاره نمود. مطابق با ماده مذکور، در مرحله تحقیقات مقدماتی، در صورت وجود فشار روانی بر کودک و عدم اقدام والدین و سرپرست وی در رابطه با انتخاب وکیل، مقام قضایی از این اختیار برخوردار است که از میان وکلای کارآموده و متخصص در حوزه جرائم اطفال و نوجوانان، حداقل یک وکیل به منظور حمایت و دفاع از کودک تعیین نماید.

علاوه بر این، ماده ۴۰ «معاهده حقوق کودک»، بر پیش‌بینی مرجع مستقل و شرایط ویژه و تخصصی در رابطه با رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در تمام مراحل رسیدگی تأکید ورزیده است.

به باور برخی از صاحب‌نظران، هرچند در این ماده حق داشتن وکیل برای کودک در مرحله پیش‌دادرسی به وضوح در نظر گرفته نشده است، با این حال، عبارت «شرایط ویژه و تخصصی در رابطه با رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در تمام مراحل رسیدگی» خود حاکی از توجه و تأکید بر حضور وکیل به عنوان یکی از شرایط دادرسی منصفانه در مرحله پیش‌دادرسی به مثابه مهم‌ترین مرحله از رسیدگی به جرائم اشخاص فوق‌الذکر می‌باشد» (۸).

۲-۲. مرحله دادرسی: حق داشتن وکیل، حضور و معاضدت‌های حقوقی وی برای کودکان در مرحله دادرسی نیز به عنوان مصداق دیگری از توجه مقنن ایرانی و همچنین تهیه‌کنندگان اسناد بین‌المللی در لزوم تحقق دادرسی منصفانه و حمایت قانونی و حقوق دفاعی از

موجه، مرجع قضایی مکلف است برای متهم وکیل تعیین نماید.

در خصوص تعیین وکیل تسخیری برای کودکان، مقنن ایرانی وضعیت و امکان این موضوع را به موجب این ماده در مقایسه با امکان وکیل تسخیری برای افراد بزرگسال توسعه داده است. به بیان دیگر، حسب ماده ۳۴۸ قانون سابق‌الذکر، در خصوص رسیدگی به جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. در این بین، چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و در فرضی که وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می‌نماید. این در حالی است که در رابطه با تعیین وکیل تسخیری برای رسیدگی به جرائم کودکان، مقنن ایرانی در ماده ۴۱۵ قانون مسبق‌الذکر، امکان تعیین وکیل تسخیری را علاوه بر جرائم در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری یک، شامل جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارض بیش از خمس دیه کامل است. همچنین در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر بوده نیز نموده است (۹).

علاوه بر این، به موجب ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جرائم تعزیری با درجه هفت و هشت، والدین و سرپرست قانونی طفل از این اختیار برخوردار می‌باشند که به مانند وکیل از کودک خویش در دادگاه دفاع نمایند. به عبارت دیگر در جرائم اخیرالذکر، الزامی بر تعیین و حضور وکیل در دادرسی از دیدگاه قانونگذار ایرانی وجود نداشته که این موضوع خود محل انتقاد بوده و در تعارض با تخصصی بودن موضوع وکالت و حتی حق بنیادین افراد نسبت به دارابودن وکیل در تمامی مراحل رسیدگی است (۱۰). لازم به توجه است که

در اسناد بین‌المللی راجع به حمایت از حقوق کودکان، برخلاف مراتبی که در حقوق ایران و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ وجود دارد، در رابطه با امکان معاضدت حقوقی و تعیین وکیل، تقسیم‌بندی در خصوص جرائم وجود نداشته و اسناد مزبور فارغ از نوع جرم ارتكابی (اعم از شدید و خفیف)، حق برخورداری کودک از وکیل در دادرسی را به عنوان امری تکلیفی و الزامی مقرر نموده‌اند، از جمله این موارد، علاوه بر ماده ۱۵ «قواعد پکن در حمایت از اطفال و نوجوانان» و ماده ۴۰ «معاهده حقوق کودک» که پیش از این بیان شد، می‌توان به قسمت اخیر الحاقی ماده ۲۱ «قواعد و مقررات بیجینگ» اشاره نمود که بر اساس آن، «رسیدگی به جرائم کودکان باید در مرجعی مستقل و اختصاصی با تعیین وکیل برای ایشان صورت پذیرفته و در صورت عدم تعیین وکیل توسط اشخاصی که سرپرستی کودک را بر عهده دارند، دادگاه مکلف به تعیین وکیل با لحاظ همه شرایط و امکانات دفاعی از سوی وکیل برای کودک می‌باشد.»

۲-۳. مرحله اعتراض به رأی: قانونگذار ایرانی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر اینکه در بند «الف» ماده ۴۳۳ این قانون، محکوم‌علیه، وکیل یا نماینده قانونی وی را از حق درخواست تجدید نظر برخوردار نموده، در راستای ایجاد آیین دادرسی کیفری افتراقی در خصوص کودکان، به موجب مقرره جداگانه در ماده ۴۴۷ همین قانون، امکان درخواست تجدید نظر از آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان را توسط نوجوان یا ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان یا وکیل ایشان در نظر گرفته است.

در این میان، پرسشی که مطرح می‌گردد، این است که با لحاظ تبصره ۱ ماده ۴۱۲ (هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم

می‌توان گفت که به طور ضمنی چنین حقی برای وکیل علاوه بر والدین و سرپرست کودک در نظر گرفته شده است. علاوه بر این باید توجه داشت که مطابق با نظر شماره ۱۴۸ ارائه‌شده از سوی «کمیته حقوق کودک» در سال ۲۰۰۷، با لحاظ تأکید بر تعیین وکلای ویژه و متخصص در رابطه با جرائم اطفال و نوجوانان، اقدام وکیل در تمامی موارد بر اقدامات صورت گرفته از سوی والدین و سرپرست کودک مقدم تشخیص داده شده است (۱۲).

بحث و نتیجه‌گیری

به موازات توسعه معیارهای رعایت حقوق بشر، حق داشتن وکیل به مثابه یکی از مصادیق دادرسی عادلانه به رسمیت شناخته شده است. به طریق اولی می‌توان دریافت که یکی از مظاهر بدیهی دادرسی عادلانه نسبت به کودکان داشتن حق برخورداری از وکیل است، چه اینکه با توجه به عدم توانایی کامل اطفال و نوجوانان در دفاع از خویش، برخورداری این افراد از معاضدت‌های حقوقی دارای اهمیت مضاعفی می‌باشد.

در حقوق ایران، وفق مواد ۵ و ۶ قانون آیین دادرسی کیفری، حق داشتن وکیل در فرایند کیفری به طور کلی مورد شناسایی مقنن بوده است و در رابطه با اطفال و نوجوانان بزه‌کار، رویکرد افتراقی نسبی اتخاذ شده است.

بررسی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیانگر این مطلب است که قانونگذار ایرانی همسو و با توجه به اسناد بین‌المللی به نقش وکیل و معاضدت‌های حقوقی وی نسبت به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، گامی رو به جلو در این رابطه برداشته است. به بیان دقیق‌تر، همچنانکه اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک به حق برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی او در رسیدگی به جرائم کودکان در سه مرحله پیش‌دادرسی، دادرسی و اعتراض به رأی توجه داشته است، قانون آیین دادرسی

یا وکیل او ابلاغ می‌شود) و ماده ۴۱۷ قانون فوق‌الذکر (آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان علاوه بر شاکی، متهم و محکوم‌علیه، به ولی یا سرپرست قانونی متهم و محکوم‌علیه و در صورت داشتن وکیل، به وکیل ایشان نیز ابلاغ می‌شود)؛ در فرضی که دادنامه هم به نوجوان، والدین و سرپرست قانونی طفل و نوجوان و هم به وکیل کودک ابلاغ گردد، مبدأ محاسبه مهلت اعتراض چه تاریخی است؟ آیا نخستین تاریخ ابلاغ مناط اعتبار بوده یا هریک از افراد مذکور در مهلت مربوط از حق اعتراض در خصوص رأی صادره برخوردار می‌باشند؟ یا اینکه اساساً ابلاغ، صرفاً به یکی از ایشان محل اثر خواهد بود؟

در مقام پاسخ به این موضوع باید گفت که هرچند قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این رابطه ساکت است، اما از بررسی قانون فوق‌الذکر در رابطه با مقررات ابلاغ نسبت به آرای دادگاه اطفال و نوجوانان، چنین به نظر می‌رسد که اختیار ابلاغ به نحو مطلق به مدیر دفتر واگذار نشده و باید نسبت به این موضوع قایل به تفکیک گردید. بدین نحو که هرگاه وکیل کودک حق وکالت در مرحله بالاتر را داشته باشد، دادنامه به وی و در غیر این صورت به نوجوان یا والدین و سرپرست قانونی طفل یا نوجوان ابلاغ می‌گردد. در این بین بدیهی است که اگر وکیل حق اقدام در مرحله بالاتر را نداشته باشد، ابلاغ به او اثری نداشته و برعکس، در فرض تعیین حق اقدام در مرحله بالاتر برای وکیل، ابلاغ دادنامه به نوجوان یا والدین و سرپرست قانونی طفل یا نوجوان فاقد اثر خواهد بود (۶).

در این رابطه لازم به ذکر است که هرچند اسناد بین‌المللی راجع به حمایت از حقوق کودکان در رابطه با حق تجدید نظر از سوی وکیل حکم صریح و مشخصی ندارد، اما با لحاظ ماده ۱۵ «قواعد پکن در حمایت از اطفال و نوجوانان» و ماده ۴۰ «معاهده حقوق کودک»

کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز امکان معاضدت حقوقی وکیل و برخورداری کودک از وکیل را در مراحل سه‌گانه فوق‌الذکر پیش‌بینی نموده است. مهم‌ترین جلوه‌های توجه قانونگذار ایرانی در این رابطه، شناسایی حق حضور و ملاقات متهم کودک در مرحله تحت نظر و معاضدت حقوقی وکیل برای وی در مرحله تحقیقات مقدماتی، توجه به حضور و تعیین وکیل در مرحله دادرسی به عنوان حقی بنیادین و در پاره‌ای شرایط الزام و تکلیفی قانونی و در نهایت، در نظرگرفتن حق اعتراض برای وکیل نسبت به آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

References

1. Abachi M. Children's Criminal Law. Tehran: Majd Publications; 2018. p.56. [Persian]
2. Golduzian A. Prevention of juvenile delinquency by emphasizing the role of education. Law Studies. 2018; 27: 23-36. [Persian]
3. Bassiouni CH-M. Criminal Procedure. UK: Stephani Publication; 2019.
4. Ernest J. Junveil Criminal Procedure. Oxford: Oxford University Press; 2018.
5. Khaleghi A. Criminal Procedure. Tehran: Shahre Danesh Publications; 2017. Vol.1. [Persian]
6. Mohammadi E. Features of children's and teenagers' proceedings. Judgment Magazine. 2018; 4(12). [Persian]
7. Ashoori M. Criminal Procedure. Tehran: Samt Publications; 2018. Vol.1. [Persian]
8. Van Bueren J. Junveil criminal procedure. No Palce: Behingen Publication; 2019.
9. Tahmasebi J. Criminal Procedure. Tehran: Mizan Publishing; 2017. Vol.3. [Persian]
10. Muazzin Zadegan H. Handling the crimes of delinquent children and juveniles in the criminal regulations of Iran and France. Comparative Law Studies. 2020; 32. [Persian]
11. Ahmadi R. Juvenile requirements of children and adolescents. Tehran: Jungle Publications; 2019. [Persian]
12. Casess A. Children and criminal Justice. Mcensy Publication; 2018.